



۴

محرم؛ بهترین فرصت برای تربیت کودکان

بچه بزرگ کردن با چای روضه



ولایت مداری؛

بالاترین درس نهضت سیدالشهدا (ع) ۶



محمود حکیمی:

عاشورا یک مکتب تربیتی است



حکمت

امام حسین (ع)

من لایحضره الفقیه، ج. ۴



پرسیده شد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! حالت چطور است؟ امام فرمود: شب را صبح کردم، در حالی که بالای سرم خداوند عالم و مقابلم آتش جهنم را دارم. مرگ در پی من است، حساب من در گرو عمل خود بوده، آنچه را که دوست دارم نمی‌بایم و آنچه را که نمی‌خواهم نمی‌توانم از خودم دور کنم. کارها در دست دیگری است؛ اگر او بخواهد عذابم می‌کند و اگر بخواهد می‌بخشد. چه کسی از من نیازمندتر است؟!

سرآغاز

شاید جزء مردان تاریک باشیم و...



حجت الاسلام
محمدرضا
جوان آراسته

پژوهشگر و
نویسنده

هرکدام از ما با توجه به آدمی که هستیم، با توجه به زندگی‌هایی که داریم و حتی باتوجه به دغدغه‌هایی که داریم، می‌توانیم یک درس آموخته‌ای، پندی یا روش زندگی از واقعه کربلا به دست بیاوریم. یعنی اتفاقاتی که در کربلا رخ می‌دهد، تک بعدی نیست. اگر مراجعه کنیم به فرمایشات امام حسین (ع) که درباره دینداری می‌فرمایند: «مردم بنده دنیاند و به ظاهر دم از دین می‌زنند و تا زمانی که زندگی‌شان تامین شود، از آن دفاع می‌کنند اما، چون در بوته آزمایش قرار گیرند، دینداران اندک هستند.» اگر ما دغدغه درستی از دینداری داشته باشیم، راه درست زندگی را پیدا می‌کنیم. وقتی که به واقعه کربلا نگاه می‌کنیم، امام درباره تعاملات اجتماعی، راه و روش و سیره زندگی برای ما حرف دارد که این پندها تنها مختص کربلا نیست بلکه از مدینه تا کربلاست. تمام این وقایع برای ما به شدت درس‌آموز است. در این اتفاقات نحوه مواجهه ما با دیگران ولو این‌که مخالف ما باشند، بیان شده است.

زمانی که نام کربلا می‌آید، اگر با سؤال و ابهام سراغ واقعه کربلا برویم، به تعداد سوالات و ابهامات ما، می‌تواند درس آموخته‌ای داشته باشد. بنابراین بهتر است به خودمان مراجعه و خودمان را بازخوانی کنیم؛ هر کدام از ما با هر نوع زندگی که داشته باشیم، مطالعه واقعه کربلا به بهتر فهمیدن زندگی‌مان کمک می‌کند.

آن چیزی که به عنوان دغدغه من محسوب می‌شد، شناختن متناسب با زمانه است. ابعاد مختلف کربلا که می‌تواند به ماکمک کند متاسفانه ناشناخته است. خیلی‌ها به تکرار موارد دانسته شده، بسنده می‌کنند. لایه‌های مهم و عمیق بسیاری در واقعه عاشورا وجود دارد که ما سراغ آنها نمی‌رویم و به آن فکر نمی‌کنیم.

من به عنوان نویسنده تلاش می‌کنم سراغ این لایه‌های پنهان بروم و یک به یک آنها را آشکار کنم. به عنوان مثال در واقعه عاشورا، روایت حضور مردان و رشادات‌های آنان بسیار زیاد و خیلی پررنگ است اما زنان نیز حضور داشتند و در کربلا نقش آفرینی کرده‌اند اما نامی از آنها آورده نشده.

در کتابی که نوشتم سراغ آدم‌های عادی که در لشکر عمر بن سعد بودند رفتم و نه آدم‌های سیاه، آدم‌های عادی که از قضا ما خیلی شبیه به آنها هستیم. اصلاً بعید نیست اگر ما هم در آن زمان بودیم، جزو آنها نباشیم. متاسفانه دائم درباره مردان تاریک لشکر عمر بن سعد صحبت شده است و ما احساس می‌کنیم جزو آنها نیستیم.

من احساس خطر می‌کنم، چون بعضی از ما فکر می‌کنیم به بدی مردان تاریک لشکر عمر بن سعد نیستیم اما شاید به بدی سیاهی لشکر آن بوده و خودمان خبر نداشته باشیم. بنابراین تلاش من به عنوان یک نویسنده، روشن کردن نقطه‌های کمتر دیده شده و شناخت بیشتر و بهتر از وقایع کربلاست.

عاشورا یک مکتب تربیتی است

پدر و مادرم به آموزه‌های دینی و اهل بیت (ع) علاقه بسیاری داشتند و نخستین الگوهای رفتاری در زندگی من بودند. پدرم مرحوم جلال حکیمی بذر عشق و محبت به اهل بیت (ع) را در قلب من کاشت و مادرم آنها را آبیاری کرد و چون بزرگ شدم به ادبیات دینی روی آوردم. پدر یک روحانی باتقوا و بسیار شریف بود که در زمان رضا شاه مجبور شد از لباس روحانیت بیرون آید. پدر مادرم هم یک روحانی بود. دایی من بعد از انقلاب اسلامی فوت کرد او از روحانیان نام‌آور شهرری و حافظ قرآن بود. او به قرآن کریم علاقه بسیار داشت. بیشتر وقت‌ها در مسجد لرزاده مشغول خواندن نماز یا قرآن بود. توصیه‌های او و مادرم در مذهبی شدنم و رویکرد من به کتاب‌های دینی و سپس نویسندگی بسیار مؤثر بودند.



محمود حکیمی

نویسنده
پیشگسوت

روزهای تاسوعا و عاشورا همراه پدرم برای عزاداری به هیات‌های مذهبی می‌رفتم. البته ناگفته نماند مادرم در کربلا متولد شده بود و سپس همراه پدر و مادرش در اواخر حکومت ناصرالدین شاه به ایران آمده و در شهرری ساکن شده بودند.

از همین رو خواندن، تحقیق و نوشتن در این حوزه را آغاز کردم. وقتی کتاب «سیرت و شخصیت حضرت محمد (ص)» را می‌نوشتم جمله معروف «حسین منی و انا من حسین» بسیار توجه مرا جلب کرد و از این رو تصمیم گرفتم درباره زندگی سیدالشهدا (ع) تحقیق و با بصیرت کافی واقعه عاشورا را تحلیل و تفسیر کنم.

از این رو نخستین اثر من درباره امام حسین (ع) در سال ۱۳۵۱ با عنوان «پیشوای آزادگان» با مقدمه آیت‌ا... مکارم شیرازی منتشر شد. بعد از آن حدود ۴۸ سال پیش می‌شد که کتابی دیگر از من با عنوان «قیام حسین (ع)» و ویژه نوجوانان منتشر شد مانند آثار دیگری که تاکنون برای نوجوانان نوشته‌ام مورد استقبال قرار گرفت.

همین امر موجب شد در کنار پژوهش‌های خود به کتاب‌های تاریخی امام حسین (ع) اهمیت بیشتری بدهم و آثار دیگری در این زمینه بنویسم. خوانندگان آثارم می‌دانند که من از سال ۱۳۴۷ تاکنون در مجله وزین «درس‌هایی از مکتب اسلام» مقاله یا داستان‌های دینی می‌نویسم و در این دوران هم مقاله‌های زیادی از من درباره نهضت جاودانه عاشورا در این مجله منتشر شده است.

مواجهه دقیق با مکتب امام حسین (ع)

پس از سال‌ها مطالعه، درک کردم مکتب امام حسین (ع) پیش از آن‌که یک مکتب احساسی و عاطفی باشد یک مکتب تربیتی است؛ مکتبی که مردمان در آن به نیکوترین و والاترین تربیت نبوی و علوی دست می‌یابند.

امام حسین (ع) هنگام حرکت از مدینه به سوی مکه و در آغاز نهضت خود در وصیتنامه‌اش نوشت: «من می‌خواهم به خوبی‌ها سفارش و از زشتی‌ها جلوگیری و به سیره جدم محمد (ص) و سیره پدرم رفتار کنم. عقیده دارم نسل نوجوان و جوان که بیشترین مخاطبان آثارم هستند اگر به راستی علاقه‌مند به شناخت مکتب امام حسین (ع) هستند باید درباره نهضت پیامبران توحید مطالعه کنند.

در آخرین کتابی که درباره نهضت عاشورا نوشتم و عنوانش «امام حسین (ع) و نهضت جاوید کربلا» است به این موضوع پرداخته‌ام. در آغاز این کتاب آمده است امام حسین (ع) ادامه‌دهنده راه انبیاست و

بخشی از زیارت وارث

را آورده‌ام.

سپس با ذکر قسمت‌هایی

از نهضت‌های جاویدان پیامبران

ادیان توحیدی را مطرح کرده و تأکید کردم امام حسین (ع) و یارانش در قیام خود در مسیری حرکت کردند که مسیر پیامبران الهی بوده است. در این کتاب به نهضت جاودانه حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت داوود (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت ایوب (ع) و حضرت عیسی (ع) با استفاده از آیات قرآن کریم اشاراتی و به این نکته تأکید داشتم، نهضت پیامبران الهی که آخرین آنها نهضت حضرت محمد (ص) بود به دعوت انسان‌ها به پرستش خدای واحد، رهایی از پرستش غیر خدا و دعوت انسان‌ها به نیک‌دوستی است. تأکید می‌کنم که البته نهضت امام حسین (ع) هم در این مسیر بوده است.

نیاز به شناخت درست از نهضت عاشورا

بر این باورم در جهان امروز انسان‌ها از هر نژاد، مذهب و زبان به شناخت درست از نهضت عاشورا نیاز دارند زیرا پیام نهضت جاویدان پیامی برای آزادی همه انسان‌هاست. در ادامه این کتاب که انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مهر تابان آن را منتشر کرده است به نهضت حسینی و شاعران بزرگ پارسی‌گوی اشاره شده است.

همان‌طور که می‌دانیم بسیاری از شاعران پارسی‌گوی اشعاری زیبا از واقعه عاشورا سروده‌اند و البته آنها را در این کتاب آورده‌ام؛ اشعاری از چند شاعر پارسی‌گوی همچون سنایی، مولوی، سعدی، سیف فرغانی، محتشم کاشانی و اقبال لاهوری. اگر بخواهم اشعار تمام شاعران را که درباره امام حسین (ع) و یارانش سروده شده بنویسم ۱۰ جلد کتاب هم کافی نیست.

خانواده حسینی (ع)

■ امام حسین (ع) به عنوان الگوی تربیتی کامل، محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان می دانست و در قالب های گوناگون آن را ابراز می کرد؛ گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسباندن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت آمیز. ویژگی بارز در خانواده امام حسین، ابراز علاقه است. این بزرگواران همواره یکدیگر را با تعبیر عاشقانه و احساس برانگیز مورد خطاب قرار می دادند و در موارد بسیاری از عبارت «بنفسی انت» استفاده می کردند. این مسأله باید به عنوان الگویی در سبک زندگی حسینی مورد توجه باشد و اعضای خانواده یکدیگر را با عناوین دلنشین و محبت آمیز خطاب کنند. عید... بن عتیبه می گوید: «نزد امام حسین (ع) بودم که فرزندش وارد شد. امام حسین (ع)، امام سجاد (ع) را صدا زد و او را در آغوش گرفت و به سینه چسباند و میان دو چشمش را بوسید. سپس فرمود: پدرم به فدایت باد! چقدر خوشبو و زیبایی». علامه مجلسی / بحارالانوار

■ امام حسین (ع) بالاترین حد تکريم را نسبت به همسر و فرزندان داشت؛ برای مثال فرمود: «من خانه ای را دوست دارم که در آن سکینه دخترم و رباب همسرم هستند. آنان را دوست دارم و عمده اموال را به آنان می بخشم و به سرزنش کسی توجه نمی کنم». / عبدالعظیم مهتدی / آموزه هایی از اخلاق امام حسین

■ حضرت سیدالشهدا سرآمد غیرتمندان عالم است در رجز حماسی خویش در روز عاشورا از جمله بر حمایت از دژ پیامبر و خانواده پدرش تاکید می فرمود: «أحیی عیالاتی، أفضی علی دین النبی» آن حضرت، روز عاشورا خانواده و دختران و خواهر خود را توصیه کرد که پس از شهادتش، گریبان ندرند و چهره مخراسند و آه و زاری و واویلا سر ندهند و پیش دشمنان صدایشان را به گریه بلند نکنند. / علامه مجلسی / بحارالانوار

نگاهی به نقش زن هادر عرصه واقعه عاشورا

شیر زنان روزهای سخت



فیلم های سینمایی را که محور موضوعی آنها یک حادثه، پیشامد و بحران گسترده مثل زلزله، سیل، طوفان، جنگ و غیره است به خاطر بیاورید. چه چیزی

سارامومنی

روزنامه نگار

در تمام این داستان ها محور مشترک است؟

بله، خانواده؛ خانواده همه چیز است. قهرمان داستان و فیلم همیشه و در همه حال برای نجات خانواده اش تمام مسائل، بحران ها، رنج ها و دردها را به دوش می کشد و آرمان نهایی اش نجات خانواده است. و راستی چرا خانواده آن قدر مهم است؟ خانواده، اولین مکانی است که رشد و آرامش خود را در آن پیدا می کنیم. مراقبت از خانواده یک مسئولیت بزرگ است. دعا برای سلامت، نجات و آرامش خانواده، نه فقط میان ما مردم معمولی، که میان پیامبران و امامان ما، رسمی همیشگی بوده است.

حضرت رسول فرموده اند که هر زمان خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده اش را از آن بهره مند سازد. همچنین اولویت و تقدم خانواده در فرهنگ اسلامی یک اصل است. پیامبر فرموده اند: از خانواده خود آغاز کنید و هرکسی که «نزدیک تر» است، مقدم بدارد. تمام اینها گفته شد که برسیم به یک خانواده بزرگ، عزیز و منحصر در جهان؛ حسین (ع) و خانواده اش، پسرانش، برادرش و زنان و دخترانش و حادثه عاشورا برای این خانواده، که از همیشه تا هنوز هیچ اندوهی در عالم با غم عاشورا برابری نمی کند.

روایت عشق و اندوه

همه ما شاهد یک آرمان و عشقی عظیم و اسطوره ای نسبت به خالق، حق و درستی در حادثه عاشورا بوده ایم که تمام خانواده، تمام زنان و کودکان و مردان این خانواده، در بحرانی عظیم و اندوهی بزرگ قرار گرفتند و قهرمان این داستان شدند و ابتلا به کربلا همان خیر عطا شده و بهرمندی خانواده و نزدیک ترها از آن بود.

اگرچه پیامبر فرموده اند اندوه برای خانواده حجابی در برابر آتش جهنم است و اگرچه در جنگ، در تنگی و سختی، طبعاً انسجام، اتحاد و همبستگی خانواده به هم می ریزد؛ اما داستان و تصویر زنان کربلا متفاوت و فراتر از تمام این قواعد پیش رفت. داستان آنها از کوچک ترین شان تا عمه سادات، حضرت زینب (س)،

داستان انسجام، قدرت، شجاعت، صبر، محبت و پایداری است.

مواجهه با مسأله، مصیبت، بحران و رنج، اتفاقی است که کاملاً برآمده از درون آدم است و آن قدر مهم است که تا مدت ها بعد از گذشتن خود را نشان خواهد داد، چرا که انتخاب و تصمیم درست در گرو همان اتفاق درونی است و اگر در موقعیت بحران، عجله جایگزین صبر شود، بی قراری جایگزین پایداری شود، ناامیدی جایگزین توکل شود و بسیاری از دیگر حالات روحی، کل فرآیند در بحران و نتیجه آن تغییر خواهد کرد.

تصور میزان عظمت «ایمان» و «توکل» زنان کربلا، سخت است. چرا که در زندگی روزمره و در مواجهه با ابتلائات و مسائل مختلف (که هیچ کدام شان در میزان و عمق اندوه و سختی، حتی کمی شبیه حادثه کربلا نیست) خود را ناتوان، ناامید، ضعیف و تسلیم می بینیم؛ اما در کربلا مادر و هوب را می بینیم که قاطع و بایک ایمان قوی فرزندش را به میدان جنگ رهسپار کرد. و زمانی که از «مادر» حرف می زنیم، تمام ما به یاد خود، فرزندان و مادران مان می افتیم که ذره ای سختی و تنگی در نسبت با آنان، ما را چطور بی تاب و بی قراری کند.

تصویر مقاومت

تصویر دیگر، تصویر «مقاومت» است، تا پایان این ابتلا و بعدش، زنان و دختران این خانواده که ذره ذره لحظات را می دیدند، می شنیدند و رنجش را کشیدند، پایداری کردند. و این همان کم نیاوردن، جا نزدن و مواجهه با مسأله است که خود تابع یک ویژگی دیگر

به اسم «شجاعت» است. زنان در کل حادثه عاشورا در کنار فرزندان و در خیمه ها بودند و لحظه لحظه اتفاقات و مصیبت ها را به چشم خود دیدند و چشیدند. چیزی که باعث شد به دنبال فرار از بحران یا پرش از آن نباشند، محبت، عشق و شناخت حق بود. چیزی برای آدم با ایمان و متوکل بالاتر از این نیست که در زمین «حق» و «درستی» بوده و به آن آگاه باشد.

«صبر و تحمل» دختران ابا عبد... آن هم در سنین کودکی و نوجوانی، در رنج شهادت پدر، عمو، برادران و اقوام، در اسارت و در جسارت ها و آزارهایی که دشمنان خدا به آنها داشتند، مثال زدنی است و تنها برآمده از وجود یک روح بزرگ و تربیت آن در جبهه های کوچک است.

همچنین حضرت زینب (س) پس از حادثه عاشورا، زمانی که می خواست در کوفه سخنرانی کند، فارغ از حیا و متانتش ذره ای شک، لرزش، ترس و بروز غم در سخنانش نداشت و غیر از این هم نمی شد؛ چرا که او دختر حضرت علی علیه السلام است.

ایشان اینگونه شروع به سخنرانی کردند: «الحمد لله...» و این یعنی همه چیز. تنها یک ایمان و توکل قوی با تکیه بر معرفت و شناخت خدا می تواند چنین تصویری از یک زن در آن بلای عظیم خلق کند که در آکندگی قلبش از اندوه مسائل و بحران پیش آمده در زندگی خود و خانواده اش، همچنان «شکرگزار» خداست. خانواده در عاشورا همه چیز است. ذره ای سستی، ناباوری و ایمان نداشتن، تحمل نکردن و بی قراری، تسلیم شدن و ناامیدی، تمام این واقعه عظیم را تغییر می داد و این چیزی نبود که در سنت الهی بخواهد رقم بخورد.

دعوت به همکاری

کارشناس فروش لوازم زیربندی
ماشین آلات راهسازی نیازمندیم
(محدوده غرب تهران)

۰۹۱۲۰۶۰۸۷۱۳

برگ سبز خودرو تارا TUSP رنگ مشکی آبنوس
مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۴۰ - ۸۷۹ ط ۵۶
و شماره موتور 187B0002361 و شماره شاسی
NAAY114E5MD912089 به نام فائزه موسوی
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب رسول صفدریان فرزند اصغر
به شماره شناسنامه ۴۷۱۶ صادره از اصفهان در مقطع کاردانی
رشته الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی شهر مجلسی با
شماره ۱۲۸۸۲۱۹۰۰۸۵۹ مورخ ۱۳۸۹/۰۳/۲۳ مفقود گردیده
است و فاقد اعتبار می باشد. از بابتدیه تقاضا می شود اصل
مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر مجلسی
به نشانی دانشگاه آزاد اسلامی شهر مجلسی ارسال نمایند.

برگ سبز خودرو رانا مدل ۱۴۰۱ رنگ
سفید به شماره موتور 172B0087808
و شماره شاسی NAAU01FE9NT370131
و شماره پلاک ۴۴ ص ۷۶۱ ایران ۳۰ به نام
اینجانب حمیده امامی کرده مهینی
مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

مروی: اگر ما دوست داریم فرزندان وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهد، هیچ چیزی مانند رفتار خودمان می‌تواند الگوی او باشد. امام حسین (ع) الگوی کاملی از این گونه تربیت بودند

۶۶

محرم؛ بهترین فرصت برای تربیت

بچه بزرگ کردن با

خوبی است برای شک
حسینی و آزادی و مهر
آیین‌های عاشورا می‌ت
هویت را پررنگ کنند
بتوانند خویشتنداری

در ایام ماه محرم و عزاداری شهادت حضرت سیدالشهدا
هستیم. روزهایی که همه بی‌شمار از آن خاطره داریم و در شکل گرفتن
بخشی از شخصیت‌مان از کودکی نقش پررنگی
داشته است.
از این رو باید گفت ماه محرم و عزاداری‌های جمعی آن فرصت بسیار

مهبصلواتی

خبرنگار



اول- بچه‌ها؛ همپای بزرگ‌ترها

کودکان باید در مراسم عزاداری همپای بزرگ‌ترها مشارکت داشته باشند تا توانایی فهم و نحوه شرکت در عزاداری‌ها را پیدا کنند. آنها می‌توانند در بخش‌های مختلف عزاداری مانند پذیرایی یا نصب و حمل پرچم مشارکت داشته باشند و این امر به ما کمک می‌کند بتوانیم به بچه‌های مان تجربه دین بدهیم. تجربه دینی مقدمه هویت دینی است. کودکان معمولاً آن چه را که تجربه می‌کنند بیشتر در زندگی مورد استفاده قرار می‌دهند. شرکت در عزاداری یکی از بهترین فرصت‌ها برای کسب این تجربه دینی است. فضای تربیتی و محیط خانه و مدرسه در تربیت کودکان اثر می‌گذارد و باید محیط خانه را برای این ایام آماده کنیم. اگر از کودکانمان نظر بخواهیم که کتیبه یا پرچم را کجا نصب کنیم با این کار احترام گذاشتن به این ایام را به کودکان آموزش می‌دهیم.

دوم- حضور در جمع

خانواده‌ها می‌توانند با شناسایی تکیه‌ها یا مساجدی که مراسم عزاداری در آنجا با فرزندانشان همخوانی بیشتری دارد شرکت کنند و در این زمینه می‌توانند از آنها نظرخواهی کنند که دوست دارند در کدام مراسم شرکت کنند. اگر هم خودمان دوست داریم در مکان دیگری عزاداری کنیم بهتر است در مجالسی که کودکان پیشنهاد می‌کنند هم شرکت کنیم زیرا این مسأله باعث می‌شود بچه‌ها احساس پیوند بیشتری با این فضا کنند و باید حق انتخاب را به بچه‌ها بدهیم. در زندگی‌های آپارتمانی امروز می‌توانیم این فرصت را به کودکان بدهیم تا یک روز دوستان یا همکلاسی‌ها و بچه‌هایی که در مجتمع مسکونی زندگی می‌کنند را به خانه دعوت و مراسم کوچک عزاداری برپا کنند و خود کارهای آن را انجام دهند. حضور کودکان در این گونه مراسم باعث می‌شود آنها حساس شوند و به دنبال این باشند که چرا امام حسین (ع) به همراه اعضای خانواده‌اش در کربلا به جنگ با دشمن رفتند. حضور در مراسم عزاداری یک نوع فعالیت اجتماعی محسوب می‌شود و کودکان وقتی شور و هیجان اجتماعی را در این مراسم می‌بینند این شور و هیجان به آنها سرایت می‌کند. البته خانواده‌ها باید اقتضای سن کودکان را نیز در نظر بگیرند.

سوم- کودک، کودک است

باید توجه داشته باشیم کودک در مراسم عزاداری نیز کودک

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مروی

فنون صحیح تربیت را می‌توان در کربلا دید

از حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مروی مدرس جامعه‌المصطفی‌العالمیه که روی مبحث تربیت اسلامی کودکان کارهای مفصلی انجام داده پرسیدیم: تربیت فرزند امام حسینی چطور می‌تواند باشد.

■ چرا واقعه عاشورا در ما تا این حد رسوخ کرده و قرن‌هاست با ما مانده است؟

انسان با موارد متعدد از شگفتی و امور خارق‌العاده مواجه می‌شود که در دیگر حرکت‌های تاریخی کمتر دیده شده است. یکی از این شگفتی‌ها اصحاب و یارانی هستند که در میدان کربلا نقش آفرینی کردند. ویژگی‌های آنان آن چنان برجسته و ممتاز است که امام حسین علیه‌السلام در جمله‌ای فرمودند: من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده‌ام و اهل بیت (ع) و خاندانی باوفا تر از اهل بیت (ع) خود سراغ ندارم. این برجستگی تنها مختص به مردان نیست بلکه در زنان و حتی کودکان نیز این ویژگی‌ها وجود دارد. یک نمونه عالی از نوجوانان کربلا قاسم ابن‌الحسن علیه‌السلام است که در شب عاشورا به خوبی تربیت عالی خود را به نمایش گذاشت و نشان داد تربیت شده خاندان رسالت و نبوت است. یا حضرت علی اکبر که به درجه‌ای از کمال رسیده بود که شهادت در راه خدا را شیرین تر از عسل می‌دانست. بدیهی است که ادب و معرفت بالای قاسم و علی اکبر علیه‌السلام نتیجه تربیت عالی امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام است. یکی از درس‌ها و نکته‌هایی که باید از حادثه کربلا گرفت همین فنون صحیح تربیت است که امروزه برای جامعه و نسل‌های آن گوه‌ری دست نیافتنی شده است.

■ چطور می‌توانیم بچه‌های امروز را امام حسینی تربیت کنیم؟

اولین چیزی که در تربیت صحیح یک کودک تاثیرگذار خواهد بود طهارت در ولادت است. گرچه شخصیت و فطرت هر انسانی مهمترین نقش را در تربیت و اصلاح او دارد اما پاکی در ولادت نیز به عنوان پیش زمینه هدایت، نقش مهمی دارد. امام صادق علیه‌السلام در حدیثی دریافت نسیم محبت اهل بیت را نعمتی می‌داند که ناشی از پاکی ولادت انسان است. میزان رنج و سختی کسب حلال هم رابطه مستقیمی با تدین مردم جامعه دارد؛ هر چه جامعه از احکام دین دورتر باشد کسب لقمه حلال هم در آن سخت‌تر است و هرچه لقمه‌های حرام در جامعه‌ای بیشتر باشد میزان هدایت‌پذیری در آن جامعه کمتر خواهد بود. وجود لقمه حرام باعث می‌شود گوش و چشم انسان بر حقیقت بسته شود چنان که در روز عاشورا وقتی امام حسین علیه‌السلام بارها لشکر یزید را نصیحت فرمود اما هیچ سودی نداشت در پایان حضرت فرمودند: مَا عَلَيكُمْ أَنْ تُنْصَبُوا إِلَيَّ فِتْنَةً قَوْلِي؛ چرا ساکت نمی‌شوید تا سخن خیرخواهانه و هدایت‌گرانه مرا بشنوید فَقَدْ مُلِئْتُ بِظُؤُكُمْ مِنَ الْخَزَامِ علت این رفتار شما آن حرام‌هایی است که شکمتان را با آن پر کرده‌اید.

اگر ما دوست داریم فرزندان وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهد و صفات اخلاقی پسندیده داشته باشد هیچ چیزی مانند رفتار خود ما در خانه و اجتماع نمی‌تواند الگوی او باشد. امام حسین علیه‌السلام الگوی کاملی از این گونه تربیت بودند. شعیب بن عبدالرحمن خزائی می‌گوید: هنگامی که امام حسین علیه‌السلام در کربلا به شهادت رسید بر دوشش نشانه‌ای وجود داشت. از امام سجاد علیه‌السلام درباره آن پرسیدند، امام سجاد علیه‌السلام بسیار گریست و فرمود: «این، اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوشش حمل می‌کرد و به خانه تهی‌دستان می‌برد. این رفتار الگویی برای امام سجاد علیه‌السلام شد که بنا به فرموده امام باقر علیه‌السلام ایشان نیز همین رویه را داشتند.

■ رابطه عاطفی امام حسین و فرزندانش چگونه بود؟

محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل والدین به ودیعت نهاده است. اما آنچه در این میان مهم می‌نماید و آثار تربیتی در پی دارد ابراز آن است. این امری اختیاری است و والدین و مربیان می‌توانند در پرتو آن زمینه تربیت صحیح را فراهم آورند. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی‌کنند در حالی که محبت وقتی سازنده و تاثیرگذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد. امام حسین علیه‌السلام به عنوان الگوی تربیتی مطمئن و کامل محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالب‌های گوناگون به ابراز آن می‌پرداخت.

در روایات آمده امام گاه با درآغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت آمیز؛ عبید... بن عتبہ چنین می‌گوید: نزد حسین بن علی علیه‌السلام بودم که علی بن حسین علیه‌السلام وارد شد. حسین علیه‌السلام او را صدا زد، درآغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی. موارد دیگری از الگوهای تربیتی امام حسین علیه‌السلام همچون تشویق فرزندان در برابر کار خوب آنان، احترام به انتخاب آنها، توجه به نیازهای فرزندان، پاسخگویی به پرسش‌های فرزندان و... در روایات ذکر شده است که بررسی آنها در این فرصت نمی‌گنجد.

است و اگر می‌خواهد راحت بنشیند یا اسباب بازی داشته باشد نباید مانع کار آنها شد و خانواده‌ها اگر کودک ۴ سال را به این مراسم می‌برند حتما همراه خودش مقداری غذا یا کاغذ و مداد رنگی داشته باشند تا اگر کودک سررفت سرگرم شود. توجه داشته باشیم که کودکان را مجبور کنیم مثل بزرگ‌ترها در این گونه مجال بنشینند و عزاداری کنند. حتی اگر چند کودک در این مراسم کنار هم قرار گرفتند نباید مانع از بازی آنها شویم. همچ بزرگ‌کنندگان این گونه مراسم، سخنرانان و مداحان کودکان تذکر ندهند. در اصل حضور کودکان در هیأت آماده‌کردن آنها برای دوران نوجوانی است. حزن عزاداری محرم حزن خاص و هدفمندی است و افسردگی نمی‌بلکه مقدمه نشاط و مسئولیت‌پذیری است. حادثه عاشورا یک حماسه خانوادگی است، خود امام حسین (ع) خانواده به کربلا رفتند. در این میان اعضای خانواده امام (ع) از طفل صغیر تا پیرمرد وجود دارد. حوادثی



تربیت کودکان

چای روضه

بل گرفتن شخصیت بچه‌ها. فرصتی که در آن می‌توان فرهنگ زندگی امامیانی را با بچه‌ها مرور کرد. وانند هم هویت دینی و اسلامی را به بچه‌ها معرفی کنند و هم در آنها این تا آنها خود را شایسته دانسته و در خیلی از مواقع در مواجهه با ناهنجاری کنند.



در حادثه کربلا اتفاق افتاد می‌تواند درس‌های بزرگی برای دختران، کودکان و نوجوانان باشد. اینها را کودکان ما می‌فهمند و با این شخصیت‌ها ارتباط برقرار می‌کنند.

چهارم- مشارکت و مواجهه با سنت نیک نذری

در این ایام خیمه‌های زیادی برپا می‌شود و افراد زیادی نذری می‌دهند. می‌توانیم به بچه‌ها آموزش بدهیم. کسی که می‌خواهد غذای نذری بگیرد خودرویش را کجا باید پارک کند و می‌تواند به کودکش بگوید که با پارک خودرو در مکانی مناسب، مانع رفت و آمد خودروهای دیگر نمی‌شویم. والدین اگر به سهم خودشان در مراسم عزاداری مشارکت می‌کنند کودکان یاد می‌گیرند پول توجیبی‌شان را مدیریت کنند و در بعضی فرصت‌ها که برای باورها و ارزش‌ها پول خرج می‌کنیم، مشارکت کنند. والدین برای آموزش نذری دادن به کودکان می‌توانند یک بار خوراکی کوچکی آماده کنند و به فرزندشان بدهند تا آن را به مدرسه ببرد و به همکلاسی‌های خود بدهد.

فرزندی احلی من العسل

مادرش به لحاظ قدر و منزلت سکان زمین و زمان بود اما به وقت بازی با کودکانش هم سن و سال آنها می‌شد. کنار دیوار می‌ایستاد، داستان حسن را می‌گرفت و حسن با پاهای کوچکش از بدن مادر بالا می‌رفت، برایش شعر

دکتر فاطمه زهرا
سید بحری
مدرس جامعه المصطفی

کودکانه می‌خواند و برایش الگو خلق می‌کرد:

إِشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَأَخْلَعْ غِنِ الْحَقِّ الرَّتْسُ!

وَأَعْبُدِ إِلَهًا ذَا مِئْتَيْنِ وَلَا تُؤَالِ ذَا الْإِخْنِ!

حسن جانم شبیه پدرت علی باش از حق بند بگسل!

عبادت خدای صاحب نعمت کن و با افراد کینه توز همراه و دوست مباش!

در آغوش پرمهر مادر مشق عشق می‌کرد و همزمان از صولت و اقتدار پدر می‌آموخت. آموخته بود که باید حق پذیر باشد و دنباله‌رو حق. در کنار ظرف‌های سفالین همین مادر قناعت را آموخته بود مادری که مهریه‌اش به اندازه شفاعت تمام عالم بود. اما نصیبی از دنیا برای خودش نمی‌خواست. مهر و عشق مادر به پدرش را به چشم می‌دید و می‌دانست که فراوان درس‌ها در این رفتار و سلوک نهفته است. سال‌ها بعد آنچه در بازی‌های کودکان آموخته بود در میان کوچه و بلایی که بر سر مادرش آمد عملاً آموخت و دانست که باید برای حق و به پای حق ایستاد. بعد از شهادت پدر و مادرش، او تنهاترین سردار شد. همچون پدر با اقتدار و همچون مادر با درایت بود و ردای امامت به دوش کشید. با آمدن قاسم، لذت پدر شدن را چشید. اکنون قاسم بن الحسن تبلوری از کودکی اوست. هر آنچه با گوش جان از پدر و مادر نوش کرد اکنون باید به قاسم ببخشد.

قاسم تا سه سالگی غرق در محبت پدر و عمویی است که تنها خدا رمز و راز مهر آن دو برادر را می‌داند. در حیاط کوچک خانه مشغول بازیست که سایه ابرمدانی بر سرش می‌افتد، نگاه که می‌کند گویی دو خورشید تابان بر او می‌تابند. پدر و عموجان نظاره‌گر بازی‌های کودکانه‌اش هستند و سایه‌شان قوت قلب قاسم است. از بد حادثه و به زهر کین جعده سایه پدر کم می‌شود و گرد یتیمی بر سر قاسم در سن سه سالگی می‌نشیند. اکنون قاسم ابن الحسن باید در مکتب عموجان رشد کند که رسالتی عظیم در پیش دارد.

تربیتی که در این خاندان نهفته مبتنی بر پرورش عاطفه کودکی و مستعد کردن آن برای حق پذیری است نه تحکم و سلطه‌گری. در این هنگام است که قاسم ابن الحسن تربیت حسینی می‌شود. حق پذیر می‌شود. فدایی ولایت می‌شود. کم نمی‌آورد. شیرین زبانی هم می‌کند. حتی اگر ردای جنگ در واقعه عاشورا به اندازه تنش نباشد. در همین دستگاه است که عباس و علی اکبر و حتی علی اصغر شش ماهه تربیت می‌شوند. در مکتب علوی، ادب حرف اول را می‌زند. عباس تا لحظه شهادت حسین بن علی را برادر خطاب نمی‌کند به جهت عصمت و امامت حضرتش حرمت نگاه می‌دارد و این را از مادر آموخته. در دوران کودکی با ذکاوت بود و اهل علم و دانش. علاوه بر آن توان بالایی در اسب سواری و رزم داشت. بصیرت را در نزد علی مشق کرده بود لذا در بوران حوادث مسحور امان نامه شمر نشد چون نافذ البصیره بار آمده بود.

مکتب عاشورا مکتبی است تمام ارکان زندگی. هم عشق را می‌آموزد و هم ادب را هم بصیرت را هم حق پذیری و ولایت را آنچه که خانواده امروزی به آن نیاز دارد چنین تربیت و دیدگاه‌یست. ای بسا! خانواده‌ها که با تأسی به آن توانستند موفق شوند و یادگاران چون حججی‌ها و باقری‌ها و دانشگرها و ... را با تربیتی عاشورایی تقدیم مکتب اسلام کنند.

نقش خانواده در تربیت دینی کودکان

بارها با حضور در اماکن و مراسم‌های مذهبی شاهد حضور کودکانی بوده‌ایم که با شوقی وصف‌ناپذیر والدین و بزرگ‌ترهای خود را همراهی کرده و از این حضورشان ابراز رضایت می‌کنند.

در مورد تربیت دینی کودکان مناسب

دیدیم در این ایام چند نکته کلیدی و مهم را کوتاه و گذرا با هم مرور کنیم:

نکته اول- خانواده مهم‌ترین بستر برای تربیت دینی کودکان است. فضاسازی در خانه و تجربه کودکان در کنار خانواده اساس تربیتی دینی کودکان را شکل می‌دهد.

بچه‌ها تمام نگاه و توجه‌شان به شما (والدین و کسانی که دوست‌شان دارند) است، آنها آنچه را شما انجام می‌دهید با دقت می‌بینند و تکرار می‌کنند.

آنها عمق و میزان اعتقاد و علاقه شما را درک می‌کنند و تلاش می‌کنند یافته‌هایشان را به نمایش بگذارند.

نکته دوم- در مواجهه با پرسشگری کودکان با زبان کودکانه و متناسب با سن آنها سوالات‌شان را در مورد دین و چرایی آیین‌های

مذهبی و ... به صورت کلی پاسخ بدهید. نیازی نیست کودکان را بمباران اطلاعاتی کنید و ریزه به ریزه مفاهیم دینی یا مصائبی را که بر اهل بیت (ع) گذشته بازگو کنید.

فراموش نکنید با حوصله و خلق خوش در مورد مسائل دینی با آنها گفت‌وگو کنید.

نکته سوم- حضورشان را در اماکن مذهبی و دینی به خاطره‌ای شیرین و دلنشین مبدل کنید.

خاطره‌سازی در کودکان ایجاد دلبستگی می‌کند.

نکته چهارم- ظرفیت جسمانی و روانی کودکان را هنگام حضور در این اماکن و مراسم‌ها در نظر داشته باشید و مراقبت کنید خسته و آزرده نشوند.

گاهی لازم است خواسته‌های خودتان را محدودتر کنید.

نکته پنجم- توجه و علاقه‌مندی‌شان را به آیین‌های دینی و مذهبی مورد تعریف و تشویق قرار دهید و به آنها نشان دهید چقدر این تعظیم شعائر توسط ایشان برای شما قابل احترام و ارزشمند است.

نکته ششم- در مناسبت‌های دینی در جمع خانواده مراسم‌های کوچک برپا کنید و در برنامه‌ریزی تا اجرا از مشارکت کودکان بهره‌گیرید.

نکته هفتم- تفاوت‌های فردی کودکان در میزان و نحوه پذیرش و عملکردشان را در نظر داشته باشید.

باید توجه داشت که یادگیری در دوران کودکی غالباً مشاهده‌ای و از راه تقلید صورت می‌گیرد.

گفت و گو با حجت الاسلام مظفر سالاری درباره درس های عاشورا

ولایت مداری؛ بالاترین درس نهضت سیدالشهدا (ع)

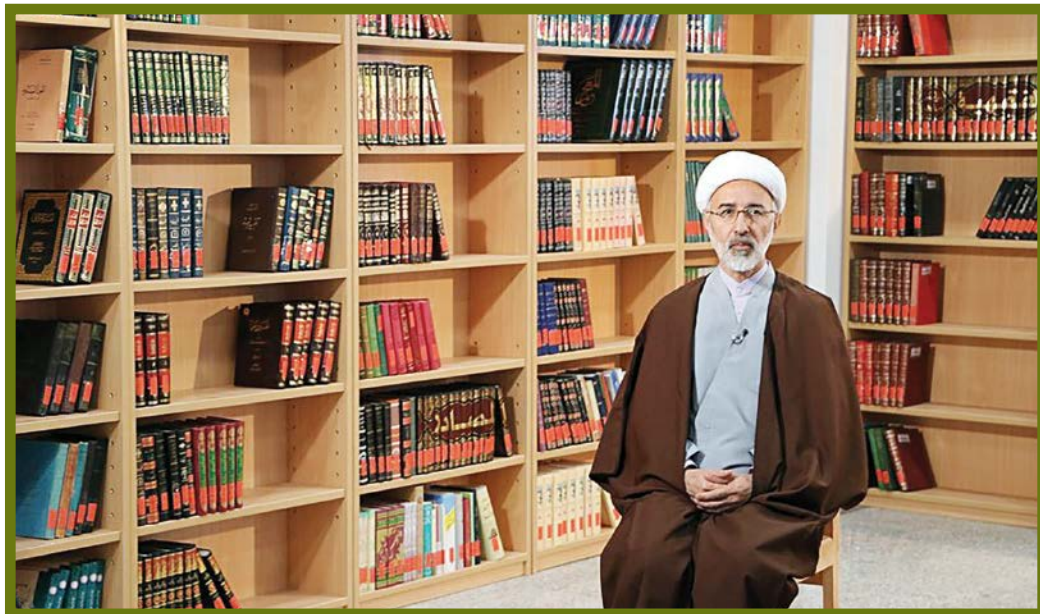
به یک نفر گفت مسلمان. امیدوار هستیم این حادثه تلخی که در عاشورا اتفاق افتاد و نتیجه زیبا گذاشتن ائمه ما است، در زمان حاضر اتفاق نیفتد.

در حال حاضر خیلی ها منتظر ظهور امام زمان (عج) هستند و می پرسند چرا ایشان نمی آیند؟ علت این است که مردم آمادگی ندارند. در گذشته مردم با ۹۸ درصد رای مثبت، چه استقبالی کردند از نظام جمهوری اسلامی اما در تنگناهایی که اتفاق افتاد، بعضی ها خودشان را جدا و کار را در نیمه رها کردند؛ صبر نکردند پیروزی نهایی شکل بگیرد.

درباره ظهور امام زمان (عج) هم ترس این موضوع که دوباره همین قضایا اتفاق بیفتد، وجود دارد. زمانی که امام زمان (عج) بیایند و عده ای دور بایستند و تماشا بکنند که حضرت تنها با همین ۳۱۳ نفر چه می کند، این نمی شود. حتما باید مردم به یک رشدی برسند که ولایت مدار باشند و آقا که آمدند از ایشان پیروی کنند.

مانند یهودی ها نباشیم که اخبار مربوط به پیامبر آخرالزمان را شنیده بودند و می دانستند ایشان در مدینه ساکن می شوند، بنابراین قبایل خود را در اطراف مدینه ساختند؛ منتظر بودند زمانی که پیامبر می آید از ایشان پیروی کنند؛ به مردمی که ساکنان اصلی مدینه بودند هشدار می دادند زمانی که پیامبر بیاید، ما از او پیروی و شما را از مدینه اخراج می کنیم. اما عملاً زمانی که پیامبر به مدینه هجرت کردند، یهودیان به جای پیروی از پیامبر (ص) تنها به خاطر مسائل نژادپرستانه، از ایشان پیروی نکردند. یهودیان از فرزندان اسحاق پسر حضرت ابراهیم و از قوم بنی اسرائیل بودند اما پیامبر از فرزندان برادر اسحاق یعنی حضرت اسماعیل بودند. در نهایت کسانی که بت پرست بودند از پیامبر پیروی کردند اما یهودی ها با پیامبر جنگیدند. امیدوارم که تمام این نکات برای ما درس عبرت باشد و سعی کنیم که مسلمان واقعی باشیم. عزاداری برای امام حسین (ع)، پیاده روی اربعین و ... تماماً مقدمه ای هستند که ما از سربازان سیدالشهدا باشیم. وقتی «لبیک یا حسین» می گوئیم یعنی آقا جان ما از یادگار شما که امام زمان (عج) است، تا پای جان پیروی می کنیم.

■ **یک نویسنده چه هدفی را در الگوی تربیتی و اخلاقی افراد دنبال می کند؟**
من به عنوان یک نویسنده تمام سعی و تلاش من این است که بگویم، بالاترین نقطه قوت برای ما، پیروی از حجج الهی است. پیروی از کسانی که خداوند آنها را امام و پیشوای ما قرار داده است؛ چون آنها معصومند و از خطاهای انسانی دور هستند؛ بنابراین هر کاری انجام یا هر فرمانی بدهند، به سمت و سوی سعادت انسان و رستگاری اشاره دارد. از تمام مسائلی که در مقابل حجت های الهی قرار می گیرد، پرهیز کنیم زیرا به نوعی نافرمانی است. در حال حاضر علت بیشتر اختلاف ها، نپذیرفتن ولایت اهل بیت (ع) و فراموش کردن سفارش پیامبر (ص) در روز غدیر خم است. پیامبر در روز غدیر خم سفارش کردند اگر به قرآن و اهل بیت متمسک باشید، هرگز گمراه نخواهید شد. علت تمام مشکلات در کشورهای مسلمان، نپذیرفتن رهبران الهی و واقعی است.



حجت الاسلام مظفر سالاری متولد اسفند ۱۳۴۱ در شهر یزد است. برای بچه ها داستان، نمایشنامه، فیلمنامه، نقد و مقاله های آموزشی فراوانی نوشته و شاگردان زیادی هم تربیت کرده است.

کتاب ها و داستان های ایشان در جشنواره ها و مسابقات مختلف ادبی برگزیده شده و از کتاب سال تا دیگر جوایز را در کارنامه فعالیت هایش دارد. با او به عنوان یک نویسنده موفق مذهبی درباره عاشورا و درس هایی که باید از این واقعه همیشه زنده تاریخ، گرفت صحبت کرده ایم.

شیماکرمی

روزنامه نگار

■ درس هایی که باید از عاشورا گرفت، چیست؟

به نظر من بالاترین درسی که از نهضت سیدالشهدا و عاشورا می توان گرفت، بحث ولایت مداری است. عاشورا نشان داد اگر مردم از امام خودشان پیروی نکنند و اهل ولایت نباشند، چه به سر امام شان خواهد آمد. یعنی دشمن او را محاصره می کند و در حالی که مردم او را یاری نمی کنند، با جمع کوچک پیروانش، ایشان را به شهادت می رسانند. این بحث خیلی مهمی است. همان طور که در قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره نساء این مسأله مطرح شده است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا... وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» یا در جایی که خداوند به پیامبر می فرماید به تمام اهل کتاب بگو: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ... فَأَطِيعُوا يُخْبِكُمْ...» یعنی اگر واقعا شما خدا را دوست دارید، از من پیامبر پیروی کنید و خدا هم شما را دوست خواهد داشت. اهل کتاب در پاسخ به پیامبر می گفتند ما می دانیم شما پیامبر خدا هستید ولی ما از شما پیروی نمی کنیم؛ اما همین که خدا را دوست داریم، خدا کارهایمان را می پذیرد و همین برای ما کافی است. در پاسخ به آنان گفته شد اگر شما واقعا خدا را دوست داشتید، از فرستاده او هم پیروی می کردید؛ چون چنین کاری را انجام نمی دهید، پس در ادعایان صادق نیستید. اگر انسان فریب شیطان را نخورد و از حجت الهی پیروی کند، نتیجه اش این است که خداوند

هم او را دوست خواهد داشت. طبق آیه ۳۱ سوره آل عمران که خداوند می فرماید: «يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» یعنی خداوند لغزش ها و گناهان شخصی آنان را خواهد آمرزد.

■ **آیا در حال حاضر و در جامعه امروزی هم با این مسأله مواجه هستیم؟**
در حال حاضر هم، ما با این مسأله مواجه هستیم. چنین افرادی در کشور، تحت تاثیر القائنات و تبلیغات دشمن قرار گرفته اند و به خیال خودشان، حساب خود را از ولایت جدا کرده اند. یعنی به این صورت می گویند ما خدا را قبول داریم و به ظاهر هم مسلمان هستیم اما اگر نماز نخواندیم یا روزه هم نگرفتیم، ایرادی ندارد! همین قدر برای ما کافی است و خدا از ما می پذیرد. یعنی احکام دین را عمل نمی کنند و مسائل مربوط به حجاب و عفاف را اصلاً رعایت نمی کنند اما انتظار دارند خداوند آنها را دوست داشته و بعد از زندگی این دنیا با آنها کنار بیاید. شرط رضایت خدا از انسان ها، پیروی از حجت های اوست. یعنی به تعبیری اگر انسان ها اهل ولایت باشند، هم در ادعای این که خداوند را دوست دارند صادق هستند و هم از پیامبران و امامان پیروی می کنند. اگر انسانی واقعا خداوند را دوست دارد و می خواهد او دستش را بگیرد، شرط این است که اهل ولایت باشد زیرا که رستگاری و سعادت او در دنیا و آخرت مستلزم همین امر است؛ پای خود را جای پای ائمه بگذارند؛ این اتفاق حتماً باید رخ دهد تا بتوان

سند، برگ سبز، کارت و کلیه اسناد و مدارک کامیون باری چوبی NR4D مدل ۱۹۴۲ رنگ قرمز روغنی شماره انتظامی ۳۲۴۹۳۴ ایران ۱۸ شماره موتور 673736H68 شماره شاسی ۱۳۶۲۶ به نام ابراهیم شقیعی مطلق مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

برگ سبز خودرو پژو آزادی ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۵ رنگ یشمی شماره انتظامی ایران ۵۲-۴۶۳۵۹ شماره موتور 11785004923 شماره شاسی 13498749 به نام صفر علی مانیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

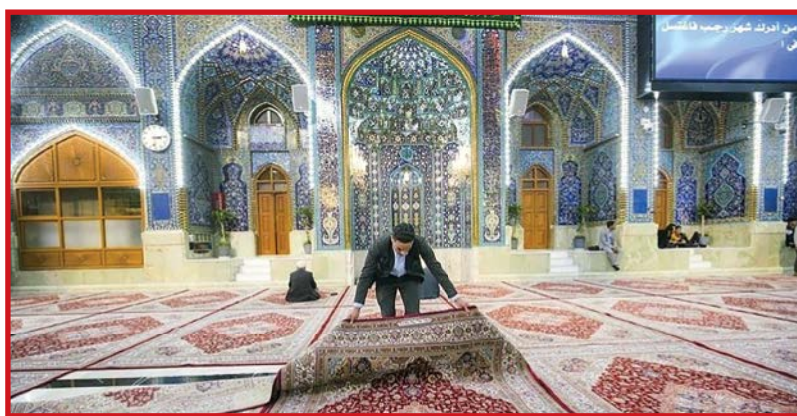
کارت فعالیت ناوگان عمومی خودرو ایسوزو مدل ۹۵ به شماره پلاک ایران ۴۴ - ۹۹۸ ع ۹۵ به شماره کارت ۳۱۶۸۲۰۶ به تاریخ صدور ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو سواری دنیا مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید شماره پلاک ۶۱ ایران ۷۸۶ ه ۳۴ شماره موتور 153H0068639 شماره شاسی NAAW61HU7NE569003 به نام ایوب خدري مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

پای صحبت هنرمندی که فرش های حرم اهل بیت از هنر او سرچشمه گرفته

واجدی نیا: امام حسین (ع) غرق شدگان را نجات می دهد

برتری دادی؟ خداوند متعال فرمود: ایشان را به دلیل اخلاص برتری بخشیدم. حضرت موسی (ع) عرض کرد: آن اخلاص چیست تا بنی اسرائیل را نیز امر کنم که به جا آورند؟ خداوند فرمود: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، نماز جمعه، نماز جماعت، قرآن، علم و عاشورا. حضرت موسی (ع) عرض کرد: ای پروردگار من، عاشورا چیست؟ فرمود: «عاشورا، یعنی گریه، خود را به گریه زدن، مرثیه خوانی و عزاداری برای مصیبت فرزند محمد مصطفی (ص). اگر بنده ای مقداری از مالش را به خاطر محبت به فرزند دختر پیامبر، به طعام یا غیر آن انفاق نماید، خداوند در دنیا هر دره ای را به ۷۰ درهم به او برکت دهد و وی در بهشت در حال عاقبت خواهد بود و گناهانش را می آمرزم.» مصداق بارز این روایت را بارها دیده ایم. حتی زمانی که گرانی یا قحطی می شود، آشپزخانه امام حسین (ع) خاموش نمی شود و چنان برکتی دارد که آشپزخانه خانه های همسایه از فراوانی غذا تعطیل می شود. بهترین و باکیفیت ترین غذاها در هیات ها پخته و بین مردم توزیع می شود، بدون این که ذره ای در اطعام عزاداران حسینی خلی وارد شود. واجدی نیا در پایان صحبت هایش با این دعا که «خدا یا عشق امام حسین (ع) را در سینه ما نگه دار و آن را نسل به نسل به آیندگان منتقل کن» این اشعار را با چشمانی اشک بار برایمان خواند: «حب الحسین رشته تحصیلی ماست / دانش سرای عشق و جنون شهر کربلاست / قبولی همه در پوشه خداست / محشر کنار درب جنان داد می زند»



حتما دیده اید جوانانی که شاید به سختی برای خانه خودشان خرید کنند، در روزهای گرم و سرد از تیرها بالا می روند و خیمه و پرچم حسین را برپا می کنند. همه روستاها، شهرها، محلات و کوچه ها در عرض چند روز برای عزاداری مهیاست، پرچم ها برافراشته، دیگ ها آماده، هیات ها مفروش شده، مواد غذایی و پذیرایی خریداری شده. امام خمینی (ره) فرمود این هیات ها و عاشورا ست که انقلاب را حفظ کرد. بیشتر شهدا کسانی هستند که در مکتب و هیات های امام حسین رشد کرده اند. خواهش می کنم خودتان را از هیات های ابداعا... جدا نکنید. حاج آقا روایتی در باب اطعام عزاداران حسینی ذکر می کند: «روزی حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من، چرا امت محمد را بر سایر امت ها

حسینی است. عشق حسین همه را به سوی خود می کشد. امام حسین (ع) همه را زیر پرچم خود جمع می کند. حسین مصباح الهدی و سفینه النجاة است. بعضی کشتی ها، غرق شدگان را نجات می دهند. حسینی، غرق شده ها را نجات می دهد و با آغوش باز همه را قبول می کند و رسول ترک و طیب حاج رضایی تحویل می دهد. حسینی سکوی پرش است و انسان های خالص را به مسجد تحویل می دهد. او در وصف هیاتی های واقعی و کسانی که زیر بیرق امام حسین (ع) سینه می زنند، می گوید: هیاتی همه کاری انجام می دهد تا شور و شعور هیات حفظ شود. در تشکیلات حسین باید خلوص داشته باشی؛ چراکه این بیرق معجزه می کند. هیاتی کسی است که سینه سپر می کند و جامعه را از عطر حسین لبریز می کند.

سید محسن واجدی نیا از اهالی کاشان، دارالمومنین ایران و از خادمان حسینی است که سال ها از عمر پربار خود را در راه اهل بیت به ویژه امام حسین (ع) گذرانده است. واجدی نیا در سال های نه چندان دور مدیر پروژه ملی بافت فرش عتبات عالیات بوده است و در دوران مسئولیتش به همراه هنرمندان کاشانی حرم های مطهر امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع)، حضرت امیرالمومنین (ع)، حرمین عسکری (ع) و حرم های مطهر کاظمین (ع) را با فرش های نفیس ایرانی مفروش کرده است. حاج آقا واجدی نیا از هیات داران قدیمی کاشان است. به بهانه آغاز محرم الحرام پای صحبت هایش نشستیم تا از حال و هوای محرم و حس و حالش به امام حسین (ع) بیشتر برایمان بگوید.

واجدی نیا صحبت هایش را با این جملات آغاز می کند: «در هر محله ای هم مسجد هست هم حسینی. مسجد جای کسانی است که به تعبیر قرآن ایمان آورده اند و اغلب مذهبیون در آن رفت و آمد دارند اما حسینی جای همه هست؛ چه کسانی که مومن هستند و چه کسانی که شاید به زعم ما مذهبی نباشند. باید بدانیم مجلس امام حسین (ع) را نمی توان به مذهبیون محدود کرد. هیات جای مردم داران، لوطی ها و عاشقان خدمت به عزاداران

جدول

توضیح برای رمز جدول:

پس از حل کامل جدول از پشت سرهم قرار دادن حروف خانه هایی که با عدد مشخص شده اند رمز جدول به دست می آید. تعداد حروف رمز جدول در هر شماره می تواند متغیر باشد.

طراح: بیژن گورانی

مکتب	آهوی ماده	میوه پاییزی	آشوب طلب	شکلی هندسی	نامی پسرانه	ناپسند	هدایت کننده	کشتی جنگی	تعهد	تازه و جدید
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳
۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴
۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵
۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶
۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷
۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸
۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹
۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰

رمز جدول شماره قبل:

شکرپیر

نگاهی به محرم و عاشورا در قالب فرهنگی که گستردگی ویژه‌ای دارد

فرهنگ عاشورایی

فرهنگی به اسم نذری

نذری دادن جزو امور آیینی با قدمتی است که در ادیان مختلف، از اسلام گرفته تا یهودیت، مسیحیت و... رواج دارد. این اتفاق اما در تاسوعا و عاشورا جایگاه ویژه‌ای دارد و به اوج خودش می‌رسد. قدمت نذری‌های ماه محرم به سالیان قبل و حوالی زمانی برمی‌گردد که واقعه کربلا رخ داده و از همان زمان در شهر مدینه رایج بود که عده‌ای از مردم غذای نذری می‌دادند. همچنین تا قبل از صفویه کمتر گزارشی از نذری محرم در تاریخ وجود دارد و از همان زمان بود که بانیان هیئات با نان و خرما شروع به پذیرایی از عزاداران می‌کردند.

این رسم امروز هم در هر شهری به شکلی اجرا می‌شود. مثلاً در اصفهان «بریانی» جزو نذری‌های قدیمی آنهاست، در مشهد «شله‌مشهدی» معروف، در یزد «آش‌گندم»، در اردبیل غذایی به اسم «پیچاق‌قیمه»، در اراک «آش بی‌بی‌سه‌شنبه»، در سمنان «خورش آلوترش» و خلاصه در هر کدام غذایی برای نذری تاسوعا و عاشورا شهرت دارد.

همین ماجرا اما ابعاد دیگری هم دارد. رونق اقتصاد یکی از این موارد است. در واقع کسی که بانی نذری است با خریدی که می‌کند قدمی در راستای این رونق برمی‌دارد. از سوی دیگر فرهنگ مهربانی و کمک‌رسانی به دیگران هم از مواردی است که نذری دادن باعث می‌شود. خلاصه آن‌که غذاهای نذری پیشینه‌ای دارند که ابعاد مختلفی را در بر می‌گیرند.



آیین‌های رنگارنگ و یکدست

می‌توان شروع عزاداری‌های عاشورایی را از هزار و چهارصد سال پیش و در روز عاشورا بعد از واقعه در نظر گرفت. پس از ورود کاروان اسیران به کوفه و سخنرانی امام سجاد (ع) و حضرت زینب و ام‌کلثوم علیهم‌السلام، صدای ضجه و گریه مردم شهر بلند شد که نوعی عزاداری برای شهدای کربلا بود. زمانی هم که کاروان اسرا به شام رسید، اهل بیت به مدت سه روز به عزاداری مشغول بودند. اما شروع عزاداری‌ها از اول محرم هم فلسفه خودش را دارد. بخش اعظمی از فلسفه حرکت امام حسین (ع) به پیش از شهادت ایشان مربوط می‌شود که وجوه آن جای تأمل و تفکر دارد. در کشور ما هم برخی مورخان شروع عزاداری را از زمان آل‌بویه می‌دانند. آیینی که در هر شهر و حتی روستایی رسم و شکل خودش را دارد اما از آنجا که در هدف یکی هستند، در نهایت یکدستی را ایجاد می‌کنند که مانند یک نمایش حماسی عظیم جلوه جالب توجهی هم دارد. هر کدام از آیین‌ها که تعددشان به اندازه نقطه به نقطه ایران است، تجلی از روح اجتماع و فرهنگی آن منطقه دارد برای همین در حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی می‌شود روی این بخش حساب ویژه‌ای باز کرد برای شناخت بهتر مردم آن منطقه و رسوماتی که دارند. در این بخش هم یک فرهنگ به چشم می‌خورد، فرهنگی که بعد قابل توجهی از همان فرهنگ پر عظمت یعنی عاشورا را منعکس می‌کند.

از هنر عاشورایی تا درس‌های فردی

موسیقی، نقاشی و حتی داستان‌ها و کلماتی که زاینده همان ذات گسترده عاشورایی هستند، بخش دیگری از این جریان را به خود اختصاص داده است. در این بین جایگاه موسیقی در آیین‌های عاشورایی قابل توجه است چرا که از قدیم تا امروز این مراسم‌ها به واسطه موسیقی ریتمیک و با حرکات سمبلیک مثل زنجیر زنی، سینه زنی و سنج زنی بیشترین تنوع موسیقی دینی ایران را در بر می‌گیرد. در گذشته و در میان همه اقوام نقش موسیقی زمان اجرای آیین‌های دینی به قدری مهم بود که بدون موسیقی و شعر هیچ مراسمی اجرا نمی‌شد. تعزیه هم بخش دیگری از این اتفاق است که موسیقی و ضرباهنگ ویژه خودش را دارد. شیپور، سنج و طبل بخشی از وسایلی‌اند که در شکل دادن این موسیقی در تعزیه‌ها از آن بهره‌مند می‌شوند. نوحه، روضه و شورخوانی‌ها هم از دیگر مواردی‌اند که با ابداعات پرسابقه‌ای در لحن و نوا همراه هستند. اما در کنار اینها بخش دیگری که در عاشورا پراهمیت است و فلسفه اصلی این جریان را شکل می‌دهد، درس‌هایی است که از وجوه مختلف این واقعه باید گرفت. برای این بخش هم در کنار وعظ‌ها و سخنرانی‌هایی که در این ایام وجود دارد، مطالعه از راه‌گشایترین اتفاقاتی است که می‌تواند شما را به یک سفر درونی ببرد.



موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم، برگزار می‌کند



مدرسه ی تربیت منتقد، به عنوان اولین و جامع ترین مرکز تربیت تحلیلگران و منتقدین سینما، با شناخته شده ترین مدرسین سینما، قصد دارد، کارشناسان، منتقدان و روزنامه نگارانی را پرورش دهد تا بتوانند درست فیلم ببینند و عمیق و دقیق، آن را تحلیل کنند.

برای ثبت نام فایلی شامل مشخصات، مهارت ها، سوابق و نمونه کارها (در صورت وجود) را به نشانی QR کد زیر ارسال فرمایید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام لطفا با شماره ۰۲۱۳۳۰۰۴۱۰۷ تماس بگیرید.



برای ثبت نام اسکن کنید

